

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

نهضت‌های ملی ایران

(۱۱۱)

اهمیت سیاسی فرقه اسماعیلیه

اهمیت سیاسی فرقه اسماعیلیان با تأسیس دولت فاطمی آغاز شد. خلفای فاطمی چنانکه فضل‌الله رشیدی در جامع التواریخ نوشته است آنان فرمانروائی جهانی و روحانی را حق خود میدانستند. زیرا صاحب اصلی شریف بودند و نسیبان فاطمه دختر پیغمبر اسلام (ص) میرسید. و نامشان نیز حاکی از همین نسبت است. همانطور که نوشتیم این سلسله گاهی علوی (منسوب بعلی ع) گاهی فاطمی (منسوب بفاطمه) و گاهی اسماعیلی (منسوب با اسماعیل فرزند امام جعفر صادق ع) نامیده شده اند. لکن نسب نامه ای که میکوشیدند تا با آن نسب عالی خود را معلوم و مسلم گردانند. چندین بار (یکبار در سال ۴۰۲ هجری و بار دیگر در سال ۴۴۴ هجری) از طرف رقیبانشان یعنی خلفای عباسی، مورد اعتراض واقع شد.

خلفای عباسی فاطمیان مصر را از نسل یکی از ملحدان ایرانی، بنام عبدالله بن میمون قلاح (متوفی بسال ۲۶۱ هجری تقریباً مقارن با غیبت امام دوازدهم شیعیان) می‌شمردند و می‌گفتند که وی فرقه اسماعیلیه را که تا آن زمان رفتاری

مسالمت آمیز داشت برای ترویج عقاید باطنی و التقاطی خود و نیز برای اجرای مقاصد سیاسی و شخصی خویش مناسب دید و آن را وسیله وصول باغراض و مطامعی که داشت قرار داد . چنانکه نوشتیم سرانجام دولت فاطمی مصر که رقیب سیاسی و فکری دستگاہ خلافت بغداد بود در مصر و شمال آفریقا بوجود آمد ، و قدرت سیاسی اش از سال ۲۹۷ تا سال ۵۶۷ هجری که صلاح الدین ایوبی آخرین یعنی چهاردهمین خلیفه آن خاندان را از سلطنت مصر برکنار ساخت ، ادامه داشت کار حکومت این دولت بصورت يك دعوت مذهبی و بوسیله دعاة و مبلغین ماهر و وفادار در سراسر جهان اسلامی بویژه در ایران توسعه یافت . این دعاة مردانی هوشیار بودند که از زوایای دل و روح انسانی خیر داشتند ، و شیوه‌هایی بکار میبردند که عقاید غریب و خاصشان بخوبی در اذهان مردم گوناگون جای می‌گرفت ، دعاة و مبلغین اسماعیلی دعوت خود را که اساس آن تفسیر آیات قرآنی بطریق تأویل بود ، بهر وسیله‌ای که مناسب بنظر میرسید نشر میکردند . و می‌گفتند که : فقط امامان اند که وارث و حافظ این تأویلات میباشند از این لحاظ گاهی نام تعلیمی بایشان داده میشود و برخی نیز نوشته‌اند که چون تعالیمشان بمعانی باطنی آیات قرآن مربوط بود ، گاهی باطنیه خوانده میشدند .

و مخصوصاً پس از آنکه دعوت جدید پایه‌ریزی و تأسیس می‌شد ، ملاحظه

نیز نامیده شدند (۱)۰

۱- تاریخ ادبیات ایران تألیف پرفسور ادوار براون جلد دوم ترجمه فتح‌الله مجتبائی

ریشه عقاید فرقهٔ اسماعیلیه

منابع اهل تسنن (از آن جمله غزالی) می‌گویند که مؤسسان مذهب اسماعیلیه را زردشتی، مانوی یا دیبصانی بحساب آورند، زیرا بدون تردید اثراتی از این ادیان در مذهب اسماعیلیه موجود می‌باشد، و پاره‌ای از شالوده‌های عقاید آنان از افکار قدیمی ایرانی سرچشمه گرفته است (۱).

پرفسور ادوارد براون در این مورد مینویسد:

(عقاید باطنی اسماعیلیه که با افراد خاص و نزدیک تعلیم داده می‌شد، در اصل فلسفی و التماطی است و اصول آن از مذاهب قدیم ایران، ادیان سامی، فلسفه نوافلاطونی و نو فیشاغورثی اخذ شده است. عدد مرموز هفت، محور عقاید این فرقه است. نبوت هفت دوره دارد (دوره آدم، دوره نوح، دوره ابراهیم، دوره موسی، دوره عیسی، دوره محمد، دوره محمد بن اسماعیل) و هر یک از این هفت نبی بزرگ هفت امام جانشین داشته است، و در هر دوره جانشین اول که صامت و سوس یا اساس خوانده می‌شده محرم اسرار و حافظ معتمد تعلیمات ناطق بوده است، و جانشین یا امام آخرین هر دوره نیز همواره دوازده نقیب در پی داشته، که با آخرین آنها یکی از ادوار نبوت پایان می‌رسیده، و دوره دیگری آغاز می‌گردیده است. دورهٔ نبوت محمد (ص) با امام هفتم یعنی اسماعیل و نقیبانش با آخر رسیده؛ و محمد بن اسماعیل که خلیفه اول فاطمی (عبیدالله مهدی) خود را از نوادهٔ او میدانست هفتمین و آخرین این دوره را شروع کرده است. (۲)

۱- فهرست این ندیم صفحه‌های ۱۸۶ تا ۱۸۸

۲- تاریخ ادبیات ایران تألیف پرفسور ادوارد براون جلد دوم ترجمهٔ فتح‌الله

دوره اعتلای فرقه اسماعیلیه

در دوره‌ای که اکنون مورد بحث ماست المستنصر (ابو تمیم معد) هشتمین خلیفه فاطمی که دوره حکومتش از سال ۴۲۷ تا ۴۸۷ هجری یعنی شصت سال طول کشید، بر همه اسماعیلیان ریاست و فرمانروایی داشت.

خلیفه پیش از مستنصر یعنی الحاکم بامر الله که به ظن قوی از جنون بی بهره نبود، در دوره حکومت خود ظلم را به غایت رسانید و کارش به جایی کشید، که مدعی داشتن صفات الهی شد و غیبت کرد. و تقریباً یقین است که در غیبت بدست یکی از کسانی که از ظلم و طمع او به تنگ آمده بودند کشته شد. هر چند که بعضی از پیروان و هواداران او، یعنی اجداد دروزیان کنونی شام (منسوب به الدروزی که وزیر الحاکم بامر الله بود و او را به اینگونه ادعاها تشویق میکرد) معتقد بودند که وی خود را فقط از چشمانی که شایسته دیدن وجود مقدس او نیستند پوشیده داشته است.

پیشانی و اختلالی که بر اثر این واقعه روی داده بود، با نشستن المستنصر بر اریکه خلافت (سال ۴۲۷ هجری) بر طرف گشت و در دوران دراز حکومت وی دولت فاطمی و مذهب اسماعیلی به ذروره قدرت و عظمت خود رسید. همانطور که در ورق‌های پیش به تفصیل بیان شد، ارسالن بساسیری در حدود سال ۴۴۸ هجری به حمایت از دولت فاطمیان بر ضد خلیفه عباسی القائم بامر الله در عراق قیام کرد و شهر واسط را متصرف شد، پس از چندی بر بغداد یعنی مقر خلافت عباسیان دست یافت. خلیفه عباسی از بغداد گریخت و یکی از امیران عربستان پناه برد، بساسیری نام خلیفه عباسی را از خطبه انداخت و خطبه بنام مستنصر

خلیفه فاطمی خواند و رایات سپید را که شعار باطنیان بود بجای شعار سیاه عباسی برافراشت (۱) در اینجا چنانکه دیدیم اگر حمایت سلجوقیان نبود کار خلافت عباسیان یکسره میشد، و این سلسله انقراض مییافت.

اما سلجوقیان که از روی تعصب دینی یا به اقتضای سیاست وقت در ترویج مذهب تسنن و حفظ مقام خلفای عباسی و قلع و قمع مخالفان آنها کوشش و پافشاری داشتند، پا در میان نهادند، و طغرل سلجوقی به حمایت از القائم - بامر الله، سپاه به بغداد کشید و بساسیری را از بغداد بیرون راند و سپس او را بقتل رسانید (۴۵۰ هجری).

شاید یکی از علل مخالفت شدید سازمان مخفی باطنیان با دولت سلجوقیان که از این موقع به بعد به نحو بسیار بارزی در بیشتر نقاط ایران مشاهده میشود، حمایت بیجای آنان از دولت منصور عباسیان و خنثی کردن نقشه سقوط و انقراض خلافت عباسی بوده است، که بدست ارسال بساسیری به مراحل آخر اجرای خود نزدیک شده بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(بقیه در شماره آینده)